

امنیت غذایی، چگونه؟

علی رزم خواه
کارشناس ارشد حقوق بین الملل



بانک جهانی امنیت غذایی را «دسترسی همه مردم در تمام اوقات، به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم» تعریف می کند. سه عنصر «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذا» و «پایداری در دریافت غذا» محورهای اصلی این تعریف اند.

۷۰ درصد گرسنگان جهان در مناطق روستایی زندگی می کنند؛ مناطقی که کشاورزی در آنجا یا به طور مستقیم شکم گرسنگان را سیر یا از طریق اشتغال در این بخش به طور غیرمستقیم به عنوان منبع درآمد جهت تامین مواد غذایی عمل می کند. از طرف دیگر، کشاورزی بیش از دو سوم غذای انسان را تامین می کند، از این رو رشد پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان و تامین مواد غذایی در دهه های آتی است. در گذشته، سیاست دولت ها در زمینه کشاورزی به طور عمده بر رفع گرسنگی از طریق تولید انبوه محصولات کشاورزی به هر طریق ممکن بود. نتیجه این سیاست، آلودگی شدید محیط زیست و آسیب دیدن سلامت انسان را به دنبال داشت. در حقیقت این سیاست ها نه تنها موجب رفع گرسنگی در جهان نشد، بلکه آسیب های جبران ناپذیری به محیط زیست و سلامت انسان ها وارد کرد.

کشاورزی صنعتی راهکار زیان ده

توجه کشاورزی صنعتی تنها معطوف به تولید است نه مردم. به تدریج که مزارع بزرگ تر و تخصصی تر می شوند جوامع محلی-روستایی وابسته به کشاورزی کوچک تر شده و تحلیل می روند. کشاورزی صنعتی با گسترش فوق العاده مکانیزاسیون در کشاورزی نیاز به نیروی کار را کاهش داده و در نتیجه به مهاجرت بیشتر از روستاها به شهرها می انجامد. مزارع بزرگ تر به معنای واحدهای کشاورزی کمتر است. به علاوه واحدهای بزرگ تمایل به کنار گذاشتن جوامع محلی در تهیه نهاده های تولید و بازاریابی محصولاتشان دارند. کشاورزی صنعتی یا مدرن بر اساس منافع فردی استوار است، درحالی که کشاورزی پایدار جامع نگر است و همانند توسعه پایدار دیدی کل گرایانه دارد و بر حفظ تولید در دراز مدت، بهره وری موثر از سیستم های طبیعی و کمک گیری از انرژی های زیستی و نیز به همان اندازه بر جنبه های اقتصادی و اجتماعی تکیه می کند. بنابراین، در یک نگرش تاریخی به روند کشاورزی صنعتی باید اذعان کرد که این شیوه کشاورزی با وجود برخی دستاوردهای خوب، نتایج منفی مهمی نیز به همراه داشت که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- اثر منفی و تخریبی روی محیط زیست،

۲- مصرف بیش از حد، آلودگی و کاهش کیفیت منابع طبیعی،

۳- ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی به ویژه در زمینه بازار و قیمت ها،

۴- افزایش ضایعات مصرف،

۵- تجزیه جوامع روستایی،

۶- تاثیر منفی روی سلامت انسان ها (مانند مسمومیت های مستقیم یا مقاوم شدن بیماری های انسانی نسبت

به آنتی بیوتیک ها) و گسترش بیماری خاص نظیر سرطان که به وجود مواد شیمیایی نسبت داده می شود.

با توجه به این مشکلات بود که افکار محققان از مساله افزایش صرف تولید به سمت افزایش بهینه تولید با توجه به ملاحظات زیست محیطی و بشری متمایل شده و اندیشه نظام کشاورزی پایدار رشد کرد. بر این اساس و به منظور جایگزینی رهیافتی مناسب برای رفع این مشکلات و در کنار آن، تامین مواد غذایی برای مبارزه با بحران گرسنگی، ضرورت داشته که نظام حقوقی بین المللی شامل قواعد و مقررات حقوقی بین المللی، سازمان ها و نهادهای بین المللی در زمینه تحقق کشاورزی پایدار تدوین، تشکیل و مورد پذیرش قرار گیرند تا هم دولت ها را ملزم کرده و هم به آنها یاری رساند، تا سیاست های خود را در قالب توسعه پایدار کشاورزی تدوین نمایند. کشاورزی پایدار به عنوان یک نظام، به منظور جانشینی نظام کشاورزی صنعتی معرفی شده است. به طور کلی توسعه پایدار کشاورزی بر حول سه محور قرار دارد:

امنیت غذایی، اشتغال دائم برای بومیان و ریشه کن کردن فقر و در نهایت حفظ منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست. کشاورزی پایدار، به عنوان رهیافتی برای مدیریت و اجرای کشاورزی، بیان می کند که به چه روش هایی می توان تولید مطلوب داشت، ضمن آن که با کاهش مصرف نهاده ها (کودهای شیمیایی و سم ها) تاثیر نامناسب کمتری بر محیط زیست وارد کرد. کشاورزی پایدار را می توان به عنوان یک اصطلاح عام تلقی کرد که همه انواع کشاورزی را که آرمانشان کاهش اثرات منفی عملیات کشاورزی است، دربر می گیرد و شامل کشاورزی ارگانیک (۱)، کشاورزی بیولوژیک و کشاورزی کم نهاده و کشاورزی اکولوژیکی است. به طور کلی، کشاورزی پایدار نوعی از کشاورزی است که کیفیت زندگی نسل های فعلی و آتی را از طریق حفظ و بهبود فرآیندهای اکولوژیکی که زندگی بشر به آن وابسته است، بهبود می بخشد. به نظر فائو، اجرای صحیح نظام کشاورزی پایدار به نتایج زیر می انجامد:

۱. تامین نیازهای غذایی اساسی و تولیدات دیگر کشاورزی مورد نیاز نسل حاضر و آتی،

۲. ایجاد مشاغل دائمی، درآمد کافی و شرایط مناسب زندگی و کار برای کسانی که در فرآیند تولیدات کشاورزی اشتغال دارند،

۳. حفظ و ارتقای ظرفیت تولیدی منابع طبیعی به ویژه منابع تجدید شونده،

۴. جلوگیری از اختلال در کارکرد چرخه های اساسی بوم شناختی و تعادل های طبیعی،

۵. جلوگیری از تخریب جنبه های اجتماعی- فرهنگی جوامع روستایی،

۶. جلوگیری از آلودگی های زیست محیطی،

۷. کاهش آسیب پذیری بخش کشاورزی نسبت به عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی و دیگر تهدیدها و تقویت خودتکایی این بخش.

از ویژگی های بارز کشاورزی پایدار مردم محوری بودن آن است. استفاده از دانش بومی مردمان محلی و کشاورزان خرده پا، تلاش برای حفظ این دانش بومی و تلفیق آن با تکنولوژی مدرن امروزی از ویژگی های اساسی کشاورزی پایدار است. در الگوی کشاورزی پایدار به زنان کشاورز به عنوان نیروی محرکه اصلی کشاورزی خرده پای خانوادگی، توجه ویژه ای می شود. در نگرش زیست محیطی، کشاورزی پایدار بر ثبات عملکرد در طولانی مدت با حداقل تاثیر منفی بر محیط تاکید دارد، در حالی که کشاورزی صنعتی بر آرمان های کوتاه مدت و حداکثر عملی متکی است که با اثرات منفی روی زیست محیط همراه است. در کنار این موارد، کشاورزی پایدار به عنوان نمونه کاملی از یک رهیافت توسعه پایداری، با باورهای فرهنگی، هویتی و قومی مناطق مختلف جهان ارتباط دارد. چرا که این باورها محیط زیست را به عنوان محیطی مقدس برای پرورش نسل های حال و آینده و به دلیل تولید غذا برای نسل های مختلف در نظر می گیرد و هرگونه صدمه زدن به آن را از لحاظ اخلاقی یا مذهبی محکوم می کند. به طور کلی، کشاورزی پایدار بر پایه اصول خاصی بنا نهاده شده است که در انطباق کامل با مفاهیم و اصول اساسی توسعه پایدار هستند، اساس رشد و توسعه کشاورزی پایدار را فراهم کرده اند و باعث بهبود و ارتقای جهانی کشاورزی پایدار شده اند. این اصول عبارت است از: الف) اصل سلامت: کشاورزی پایدار سلامت خاک، گیاهان، حیوانات، انسان ها و کره زمین را که هیچ یک از دیگری مجزا

و مستقل نیست، حفظ کرده و افزایش می دهد.

ب) اصل انصاف و عدالت: کشاورزی پایدار با توجه به فرصت ها و قابلیت های زندگی و محیط های عمومی، اطمینان از وجود انصاف را ایجاد می کند. کشاورزی پایدار باید برای هر شخصی که درگیر آن می شود کیفیت خوبی از زندگی را ایجاد کند و به کاهش تنگ دستی و فقر و حاکمیت غذای سالم کمک کند. جدا از این عدالت درون نسلی، کشاورزی پایدار با حفاظت و بهره برداری مناسب از منابع تجدید ناشدنی و تجدیدشدنی عدالت بین نسلی را نیز به خوبی فراهم می کند.

ج) اصل مراقبت: کشاورزی پایدار باید به صورت پیشگیرانه و مسوولانه به منظور حمایت از سلامت و آسایش نسل های بعد محیط زیست مدیریت شود. اقدامات پیشگیرانه به عنوان کلید مرتبط با توسعه و فناوری در این اصل کشاورزی پایدار برگزیده شده اند. بنابراین به طور خلاصه آرمان های توسعه کشاورزی پایدار، برقراری امنیت غذایی متناسب با رشد جمعیت، ایجاد و افزایش اشتغال و درآمد به ویژه در مناطق روستایی و حفاظت و حمایت از منابع کشاورزی و طبیعی و محیط زیست است.

پاورقی:

۱- کشاورزی زیستی (کشاورزی ارگانیک، طبیعی یا آلی)، نوعی کشاورزی است که در تولید و فرآوری محصولات آن از کودهای شیمیایی، سموم، هورمون ها و دگرگونی ها و دستکاری های ژنتیکی استفاده نشود و همه مراحل تقویت زمین، کاشت و برداشت با استفاده از نهاده های طبیعی (همچون کود زیستی، حشرات سودمند، ریزاندامگان کارا) باشد. کشاورزی ارگانیک سیستمی تولیدی است که سلامت خاک، اکوسیستم ها و انسان را پایدار می سازد و بر فرآیند بوم شناسانه، تنوع زیستی و چرخه های سازگار با شرایط محلی تکیه دارد.

منبع: دنیای اقتصاد شماره ۳۱۳۶
پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی